

راهکارهای جلوگیری از اختلافات و نهادینه سازی اتحاد از دیدگاه قرآن کریم

سید خلیل کوهی^۱

چکیده

قرآن بر علاوه راهنمایی دینی، راهنمای خوبی برای حل معضلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. این کتاب راهنمایی‌های کوتاه و اشاره گونه به حل معضلات که دامن گیر بشریت است، دارد. یکی از معضلات اجتماعی امروزی بشریت اختلافات اجتماعی و عدم اتحاد است. امروزه بشر مسلمان در تنگنای معضل اجتماعی اختلافات گرفتار شده و درصدد یافتن راه‌حلی برای دور شدن از این مشکل بنیان‌گن شده است. قرآن در این رابطه به کمک انسان مسلمان شتافته و راهکارهایی را برای اجتماع اسلامی توصیه کرده است. قرآن برای ختم افتخارهای واهی که منشأ اولیه اختلافات اجتماعی است، همه انسان‌ها را از یک پدر و مادر معرفی کرده و بر علاوه اخوت ایمانی را نیز در بین جوامع باهم برابر اسلامی نهادینه ساخته است. قرآن پیامدهای اختلاف را برای بشریت واضح ساخته و آن‌ها را برای تفاهم در چارچوب اشتراکات اعتقادی فراخواند، مسلمانان را دعوت می‌کند. میانه‌روی در رفتار، الزام وجوهات مالی، تشویق به گفتار نیکو و رفتار نیک، از دیگر راهکارهای قرآن در این بخش است. عفو و بخشش در زمانی که اشتباهی در اجتماع از آنان سرزده است، برقراری ارتباط نیک با خویشاوندان، آموختن دانش، توبه و استغفار زمانی که فردی مرتکب اشتباه شده است و در نهایت نظارت از اجتماع توسط یک مجموعه‌ای متخصص به صورت امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین راهکارهای ایجابی قرآن برای رسیدن به اتحاد. از دیگر راهکارهای قرآنی دوری از گمان بد، غیبت، تجسس، تهمت، اسم بد گذاشتن، ندانسته حرف زدن، عمل نکردن به گفته‌ها، ظلم کردن، بی‌عدالتی و سایر صفاتی است که جامعه را به آشوب می‌کشاند.

واژگان کلیدی: قرآن، عوامل اختلاف، راهکار حل اختلاف، نهادینه سازی اتحاد، هم‌بستگی

۱. پوهندوی سید خلیل کوهی استاد دانشگاه بامیان

Email: kohi_khalil23@eu.edu.af, kohi_khalil23@yahoo.com

Phone & whatsapp : 0093772073262



مقدمه

قرآن کتاب مقدس و آسمانی اسلام در هر موردی راهنمای انسان‌ها بوده است. این کتاب در بخش دینی هر آنچه برای راهنمای بشر لازم است را برای بشریت به ارمغان آورده، در مورد سایر امور همانند علم تجربی، سیاست، مدیریت و راه‌های جلوگیری از اختلافات و... نیز بشر را راهنمایی‌های درخور کرده است. (کوهی، ۱۳۹۷: ۱۵)

قرآن خود را هادی معرفی کرده و می‌گوید: «همانا این کتاب به استوارترین راه هدایت می‌کند» (اسراء: ۹) پس بهترین راه تربیت و تهذیب افراد و متقن‌ترین شیوه حفظ و کنترل جامعه از کج‌روی‌ها، بهره‌گیری از قرآن کریم است؛ زیرا فقط قرآن است که به استوارترین راه هدایت می‌کند.

از آنجا که همه انسان‌ها خواهان آرامش خاطر و دوری از نگرانی‌های روحی و افسردگی روانی هستند، این موارد نیز به علت اختلافات درونی اجتماع، عدم برقراری عدالت، زورگویی‌ها و قلدری‌ها شکسته می‌شود. بنابراین قرآن راهکارهایی را برای پیشگیری از اختلافات اجتماعی در نظر گرفته است که در روشنی آن معضلات اجتماعی حل و جامعه به طرف رشد و ترقی با زیستن در یک محیط کاملاً امن و برادروار فراهم می‌شود. (کوهی، ۱۳۹۵: ۴۰) این نوشته با استفاده از آیات قرآن کریم شیوه‌های مقابله با کج‌روی و درمان آن را در جامعه به بررسی گرفته است. از یافته‌های تحقیق به دست می‌آید که سیاست‌های کنترلی در مقابله با انحرافات اجتماعی، تنها بخشی از معارف بلند دین اسلام است. راه‌یابی به درک ویژگی‌ها و شرایط سیاست‌های کنترلی که در عین مجازات و تنبیه مجرمان، اصلاح و بازپروری آن‌ها را هم مدنظر قرار می‌دهد، از دیگر خصوصیات این دین است. طبق آیات و روایات اسلامی، در انسان توانایی خیر و شر وجود دارد و این فرد است که باید مسیر خود را برگزیند.



۱. مفاهیم

۱-۱. راهکار

راهکار در فرهنگ‌های مختلف زبان فارسی به معنای چاره‌کار، چاره‌اندیش و شیوه انجام هر عملی، به کار رفته است (معین، ۱۳۸۷: ۱، ذیل واژه راهکار) در اصطلاح عبارت است از فرایند تصمیم‌گیری در مورد یک راهکار برای رسیدن به یک هدف مشخص.

۱-۲. اتحاد

اتحاد به معنای یگانگی داشتن، یگانگی کردن، یکرنگی، یکدلی، موافقت، توافق، اجتماع، وحدت (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه اتحاد) آمده است. در اصطلاح عبارت است از پیوستن به توافق، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، وهم پیمان شدن مجموعه‌ای از انسان‌ها و گروه‌هایی که اهداف یکسانی دارند.

۱-۳. اختلاف

این واژه در لغت به معنای ناسازگاری، دوگانگی، ناجور بودن، دگرمانی، ناسازی، ناهم‌تایی، ناهمسانی، ناهمگونی، نایکسانی به کار رفته است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه اختلاف) در اصطلاح عدم موافقت در رأی، عقیده و ناسازگاری را گویند.

۲. عوامل اختلافات

خداوند انسان‌ها را از نظر رنگ پوست، قد، وزن، قدرت و سایر خصوصیات فیزیکی و روحی با اشکال متفاوتی خلق کرده است. نمی‌توان دو انسان متفاوت را پیدا کرد که از نظر خصوصیات فیزیکی کاملاً شبیه یکدیگر باشند. همان‌طور که انسان‌ها از نظر فیزیکی و روحی متفاوت هستند، واکنش آن‌ها نسبت به حوادثی که در اطراف آن‌ها اتفاق می‌افتد نیز متفاوت است. بر اساس فطرت انسانی، دو انسان متفاوت نمی‌توانند در مقابل حادثه واحد واکنش واحدی از خود نشان دهند. به‌ویژه اگر این مسائل، موضوعات فلسفی یا دینی عمیق و پیچیده‌ای باشد، اختلاف‌نظرها بیشتر مشهود خواهد بود. پس تفاوت و اختلاف‌نظر بین انسان‌ها، کاملاً عادی و فطری



است. اسلام اختلاف نظرهای فکری بین انسان‌ها را معقول و منطقی ارزیابی کرده و این امر را نتیجه طبیعی آزادی عقیده و فکر می‌داند. به این جهت خداوند، انسان‌ها را به عنوان امتی واحد که از نظر ایمان، عمل، افکار و اندیشه‌ها مشابه باشند، خلق نکرده است. این اختلافات و تفاوت‌ها تا زمانی که در فلسفه وجودی امت خللی وارد نکند و باعث وارد آمدن صدمه مادی و معنوی بر آن نگردد، همیشه سبب به وجود آمدن نتایجی به نفع انسانیت شده است، ولی با این هم دین به اختلافات اساسی بین مسلمان‌ها اجازه نمی‌دهد. (مغنیه، ۱۳۷۸، ۳: ۷۵۴)

قرآن برای عبرت مؤمنان و جلوگیری از افتادن در منجالب اختلافات، به ذکر اختلافات اقوام پیشین پرداخته و یادآوری می‌کند که در نتیجه این اختلافات با چه بلاها و مصیبت‌های بزرگی روبرو شدند. بر این اساس آیاتی از قرآن و احادیثی، مسلمانان را دعوت به اتحاد و برابری می‌کند؛ اما در اینکه همه انسان‌ها در موردی خاص درست مانند همدیگر بیندیشند، غیر ممکن است. این آزادی اندیشه تا زمانی که باروح قرآن و سنت مغایرتی نداشته باشد، در اتحاد و برابری امت واحد اسلامی خللی وارد نیاورد، معقول و منطقی است. چنانکه در زمان حیات، نبی اکرم اوامر و دستورات الهی را به مسلمانان می‌رساند و اختلافات فکری و برداشتی که بین مسلمانان ایجاد می‌شد را نیز حل و فصل می‌کرد. صحابه نیز برای حل اختلافات نزد حضرتش مراجعه می‌کردند. (نساء: ۵۹) ولی پس از وفات آن حضرت، صحابه مجبور شدند که اختلاف نظرهایی را که بر سر مسائل مختلف اسلامی داشتند، بر اساس قرآن و سنت پیامبر بین خود حل نمایند. صحابه با وجودی که موارد اختلاف بین خود را با مراجعه به قرآن و سنت حل می‌کردند؛ اما در برخی موارد بین آن‌ها اختلاف نظر به وجود می‌آمد. این امر نتیجه طبیعت و فطرت متفاوت آن‌ها بود. اختلاف نظرهای به وجود آمده بین آن‌ها در آن دوره تا به امروز ادامه یافت و پایه اصلی اختلافات مذهبی امروز را به وجود آورده است.

پس می‌توان گفت که وجود اختلافات در بین انسان‌ها از نظر فکری و رفتاری طبیعی است، این اختلافات تا زمانی که کیان دینی را نشانه نگرفته باشد، معقول و



منطقی است، ولی زمانی که باعث ضرر به باورهای عقیدتی اسلام، اساس اجتماع اسلامی و اختلافاتی که منجر به درگیری و خشونت شود از دیدگاه قرآن مردود است. (اکبری، ۱۳۹۹: ۱۲-۱۳) با توجه به پذیرش طبیعی اختلافات و خطرناک بودن اختلاف در اصول و اساسات دینی، قرآن یک سری راهکارهایی را برای مهار اختلافات بنیان‌کن اجتماعی و عقیدتی مطرح کرده است که در ذیل به آن پرداخته خواهد شد.

۳. راهکارهای قرآن در پیشگیری از اختلاف و رسیدن به اتحاد واقعی

قرآن برای مهار فتنه بنیان‌برانداز، اختلافات عقیدتی و اجتماعی راهکارهای را به صورت سلبی و ایجابی در نظر گرفته است. در بخش نخست به دستورات ایجابی قرآن که زمینه را برای پیشگیری از منازعات و اختلافات اجتماعی مهیا ساخته است، اشاره نموده در قدم دوم به بیان مناسبات منفی و نهی قرآن از دست زدن به علل و عواملی که اگر انجام شود باعث اختلاف در جامعه خواهد شد، پرداخته می‌شود.

۳-۱. دستورات ایجابی قرآن

۱-۱-۳. یادآوری سرنوشت و جد مشترک انسانی

قرآن در آیات متعددی انسان‌ها را فرزندان یک پدر و مادر و از نفس واحد دانسته است. چنانکه یادآوری می‌کند: «ای مردم بترسید از پروردگار خود، آن خدایی که همه شما را از یک تن آفرید و هم از آن جفت او را خلق کرد و از آن دو تن خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن برانگیخت و بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر مسئلت و درخواست می‌کنید خدا را در نظر آرید و درباره ارحام کوتاهی نکنید که همانا خدا مراقب اعمال شما است». (نساء: ۱) آیات ۹۸ سوره انعام، ۱۸۹ سوره اعراف و ۶ سوره زمر نیز موضوع خلقت انسان‌ها از جد مشترک (نفس واحده) را مطرح کرده است. مراد از نفس واحده و زوج او که انسان‌ها از آن‌ها به وجود آمده است، آدم و حوا است که پدر و مادر نسل انسان هستند. طوری که از ظاهر قرآن کریم برمی‌آید، همه افراد نوع انسان به این دو تن منتهی می‌شوند. (طبری، ۱۴۲۰،



هم چنان از آیات زیر همین معنا برمی‌آید: «همه شما را از یک نفس خلق کرد؛ نفسی که پس از خلقتش همسرش از او خلق شد». (زمر: ۶) «ای فرزندان آدم زنه‌ار که شیطان شما را نفریبد هم چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد». (اعراف: ۲۷) «اگر مرگ مرا تا روز قیامت تأخیر بیندازی، نسل آدم را جز افرادی انگشت‌شمار گمراه خواهم کرد» (اسراء: ۶۲) این آیات می‌خواهد مردمی که در اصل انسانیت و در حقیقت بشریت باهم متحدند و در این حقیقت، بین زن و مرد، صغیر و کبیر، ضعیف و نیرومند فرقی نیست، دعوت کند تا مردم درباره خویش به این بی‌تفاوتی پی ببرند تا دیگر مرد به زن و کبیر به صغیر ظلم نکنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴: ۲۱۴)

در آیه دیگری آمده است: «ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد وزنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید». (حجرات: ۱۳) این آیه بیانگر این مطلب است که شما افراد بشر، از این جهت که هر یک متولد از پدری و مادری هستید هیچ فرقی ندارید، تفاوت‌ها زمانی آشکار می‌شود که تقوا داشته باشید. ای فرزندان بشر شما از اصل واحد (مرد و زن) به وجود آمده‌اید، پس نباید تفاخر به پدران و اجدادتان داشته باشید و به حسب و نسبتان نباید افتخار کنید، همگی شما از آدم و آدم از خاک خلقت شده است. شما را قبیله قبیله و قوم قوم گردانیدیم تا برایتان آدرسی شود و با آن بتوانید با یکدیگر معرفت حاصل کنید، نه اینکه به همان علت به اختلاف و تفرقه دامن بزنید. اگر افتخار به پدران و اجداد اعتبار شرعی و عرفی می‌داشت، ازدواج بین اصیل اصطلاحی و غیر اصیل را جایز نمی‌دانست. (صابونی، ۱۴۲۱، ۳: ۲۱۹)

قرآن خواسته با طرح جد و آباء مشترک انسانی، جهانیان را به این واقعیت که همه از نظر خصوصیات انسانی یکسانند، اشاره کند و اختلافات را که ریشه در قوم، سمت، جهت، رنگ پوست و برتری طلبی‌های قومی دارد ریشه‌کن سازد.

۱-۲-۳. اخوت اسلامی

قرآن کریم برای جلوگیری از امتیاز طلبی‌ها و پیشگیری از اختلافات اجتماعی، اخوت دینی را برقرار ساخته و در یک بیان رسا می‌فرماید: «مؤمنان با همدیگر برادر هستند،



پس بین برادرانتان صلح کنید». (حجرات: ۱۰) به این جهت مؤمنان با همدیگر برادر هستند که به به اصل ایمان نسبت دارند. در این بخش ایمان اساس اخوت در نظر گرفته و دارندگان آن داخل چارچوب حقوقی همانند چارچوب حقوقی اخوت واقعی می‌شوند. پس ایمان خونی همانند خون نسب می‌شود که در بدن برادران جریان دارد. روایات فراوانی در کتب حدیثی فریقین در این مورد نیز آمده است. (مراغی، بی‌تا، ۲۶: ۱۳۱)

در بخش دوم آیه فوق مسلمانان ملزم شده‌اند که بین برادران مؤمنشان که در حال اختلاف و نزاع هستند صلح برقرار نمایند. در حقیقت قرآن با طرح این موضوع از یک طرف خواسته است برادری ایمانی را در جامعه اسلامی نهادینه سازد تا از این طریق از بروز اختلافات پیشگیری شود، اگر با توجه به اصل برادری دینی بازم گروهی و فردی از مؤمنان با همدیگر نزاع کنند، دیگران ملزمند که بین آن‌ها صلح و سازش را برقرار نمایند. (گنابادی، ۱۴۰۸، ۴: ۱۰۲)

۳-۳-۱. خاطرنشان کردن پیامد تفرقه و اختلاف

قرآن به علاوه اینکه سرنوشت ملت‌های قبلی را که به واسطه نفاق و اختلاف دچار نابودی شدند و نتوانستند از زندگی که خداوند به آن‌ها بخشیده بود به صورت عادی برخوردار شوند، (سمرقندی، بی‌تا، ۲: ۲۳۶) در آیه‌ای مسلمانان را به پیروی از خدا و پیامبر امر و پیامد اختلاف و تفرقه را برای آن‌ها گوشزد کرده است: «با هم کشمکش نکنید که شکست خواهید خورد و نیرویتان از بین خواهد رفت». (انفال: ۴۶) این آیه از روی اشارت، مسلمانان را به موافقت امر می‌فرماید که موافقت اصل دین است و مخالفت مایه ضلالت. چنانکه در دین و عقیده موافقت واجب است، در رأی و عزیمت هم واجب است. (مبیدی، ۱۳۵۲، ۱: ۳۸۲) در آیه فوق به پیامد شکننده اختلاف و تفرقه در صفوف اجتماع اسلامی چه در زمان رویاروی با دشمنان و چه در دوران زیستن با هم در اجتماع اشاره دارد. اختلاف میان صفوف یک امت یا گروه جنگجو باعث نابودی توان رزمی می‌شود و دشمن به راحتی بر آن‌ها غلبه می‌کند. به این دلیل می‌فرماید: «اگر چنین کنید سست می‌شوید و توان و صولت شما از بین



می‌رود». (جعفری، بی‌تا، ۴: ۳۸۰)

پس اگر ملتی بخواهد به صورت یک ملت مترقی، پیشرو در عرصه ملی و بین‌المللی ظهور کند، نباید دچار اختلافات و تفرقه شود؛ زیرا تفرقه بنیان‌های اجتماع را از درون پوسانده زمینه را برای فروپاشی آن مهیا می‌سازد.

۳-۴-۱. دعوت به تفاهم در چارچوب اشتراکات

قرآن پیروان سایر ادیان الهی اعم از یهود و نصارا را به تفاهم و هم‌اندیشی مشترک دعوت کرده و گزینه مناسب برای شروع به تقریب ادیان و مذاهب یاد شده اشتراکات عقیدتی را در نظر گرفته است. چنانکه می‌فرماید: «بگو ای اهل کتاب! به سراغ عقیده‌ای بیایید که میان ما و شما یکسان است، اینکه جز خدای یگانه را نپرستیم و هیچ چیز را با وی شریک ندانیم و هیچ‌یک از ما، دیگری را به جای خدا ارباب نگیرد». (آل عمران: ۶۴) خطاب بسیار مهمی به اهل کتاب از یهود و نصارا است و طی آن، پیروان تورات و انجیل به سوی یک مطلب اساسی دعوت می‌شوند و از آن‌ها خواسته می‌شود که به مشترکات ادیان آسمانی از جمله اسلام سر تعظیم فرود آرند و لا اقل به عقایدی که هر سه دین یهود، نصارا و اسلام به آن دعوت می‌کنند، تسلیم شوند و در مقابل صفوف مشرکان و دهری‌ها و مخالفان ادیان، صف واحدی تشکیل دهند و گرداگرد مرکزیت توحید و خداشناسی که اساس هر سه دین را تشکیل می‌دهد، دورهم جمع شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲: ۵۹۴)

آیه فوق از اهل کتاب می‌خواهد بیایید، بر سخنی که مورد قبول همه ما و شما است، گرد هم آییم. اکنون که شما و ما به توحید و خداشناسی معتقد هستیم، پس بیایید آن را از مسیر خود منحرف نسازیم و بر آن پیرایه‌هایی ننبدیم و واقعاً خداشناس باشیم و افراد دیگر را در مقابل خدا قرار ندهیم، قداست و مقام خدایی بر آن‌ها قائل نشویم. این سخن به کار زشت نصارا در اعتقاد به تثلیث و دادن مقام الوهیت به حضرت مسیح و نیز به عقیده باطل یهود درباره عزیر اشاره دارد. یهود و نصارا با این عقیده، از جاده اصلی توحید منحرف شده بودند و بعضی از افراد بشر را در حدّ خدایی قرار داده بودند و آن‌ها را می‌پرستیدند هر چند که خودشان به آن اعتراف



نداشتند و خود را خداشناس می‌دانستند، ولی قداستی برای عزیر و مسیح و یا احبار و رهبان قائل بودند که در حدّ پرستیدن آن‌ها بود. از این رو قرآن در این آیه انحراف آن‌ها را از مسیر توحید تذکر می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد که مسیر خود را اصلاح کنند و جز خدا کس دیگری را نپرستند و بدین گونه با مسلمانان در صف توحید قرار گیرند و در برابر نیروهای شرک ایستادگی کنند.

قرآن در این آیه درس مهمی به مسلمانان می‌دهد و آن اینکه مسلمانان باید با دیگران روی اهداف مشترک اتحاد داشته باشند و با ایجاد وحدت میان صفوف موحدان، نیرو و توان خود را در برابر مشرکان و مخالفان ادیان، تقویت نمایند و خطر آن‌ها را به حداقل برسانند. (جعفری، بی‌تا، ۲: ۱۵۰ - ۱۵۱)

۳-۵-۱. اعتصام به حبل‌الله و تعاون در کارهای نیک

حبل‌الله یا همان ریسمان الهی (قرآن و دین) یکی دیگر از راهکارهای جلوگیری از اختلافات و تعارضات اجتماعی است. قرآن در این آیه «و همگی چنگ به ریسمان خدا بزنید و از هم مپراکنید و نعمت خدا را بر خویشان به یاد آورید آنگاه که دشمن یکدیگر بودید و دل‌هایتان را به هم الفت بخشید تا در پرتو نعمتش، برادر شدید و بر لبه پرتگاهی از آتش بودید تا شمارا از آن برهانید». (آل عمران: ۱۰۳) در این آیه آمده که از مؤمنان خواسته می‌شود که همگی به ریسمان الهی چنگ بزنند و آن را محور زندگی خود قرار بدهند و این کار را به طور دسته‌جمعی عملی سازند؛ یعنی پیرامون محور ریسمان الهی متحد گردند و از یکدیگر متفرق و پراکنده نشوند. منظور از ریسمان الهی قرآن و اسلام است که باید در جامعه اسلامی محور قرار بگیرند و عقد الفرید جمعیت مسلمانان باشند. همان گونه که بند تسبیح یا گردنبند، دانه‌های تسبیح یا مروارید را از پراکندگی نگه می‌دارد، در جامعه اسلامی نیز قرآن، اسلام و ایمان باید افراد را دور خود جمع کند. مسلم است جامعه‌ای که بر محور ایمان تشکیل شود جامعه‌ای نیرومند خواهد بود. (شوکانی، ۱۴۱۴، ۱: ۴۲۱) در روشنی این آیه ریسمان الهی وسیله‌ای است که می‌تواند اجتماع اسلامی را از تفرقه و اختلاف دور نگاه داشته و همیشه در محور واحد متحد و منسجم نگه دارد.



بحث تعاون و همکاری در امور پسندیده و عدم همکاری در امور ناپسند در آیه دوم سوره مائده تذکر رفته است، طوری که می‌گوید: «باید با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری». (مائده: ۲) مردم را به همکاری و اشتراک در کارهای نیک واداشته و از اشتراک و همکاری در کارهای بد و زشت بر حذر داشته است. در اینجا خداوند بندگان را امر می‌کند که یکدیگر را بر نیکی و تقوی یاری کنند و به آنچه خداوند امر کرد، عمل و از آنچه نهی کرده، خودداری کنند. همچنین باید از معاونت بر گناه، خودداری نمایند؛ یعنی به دشمنی و تجاوز از حدود خدا دست نیالیند. (طبرسی، ۱۳۶۰، ۶: ۱۹۴) در این آیه مسلمانان را دستور داده است که در امورات پسندیده اجتماعی به تعاون و همکاری یکدیگر شتافته و نباید در اموری که اجتماع انسانی آسیب می‌رساند، همکار باشند.

۳-۶-۱. میانه‌روی در رفتار و دوری از جهال

قرآن به پیروان اسلام میانه‌روی در رفتار، کردار، دوری و برخورد هوشیارانه با جهال و نادان‌ها را توصیه کرده است. این توصیه قرآن باعث می‌شود روزانه از صدها نزاع اجتماعی که ممکن است در بین احاد افراد اجتماع رخ دهد جلوگیری شده و جامعه از گرفتار شدن در اختلافات گوناگون اجتماعی محفوظ ماند. قرآن می‌فرماید: «و در راه رفتن میانه‌رو باش و صدایت را کوتاه کن؛ زیرا ناپسندترین صدا صدای خران است». (لقمان: ۱۹) منظور از قصد در مشی میانه‌روی در راه رفتن، یعنی میانه‌روی در برخوردهای اجتماعی و دوری از افراط و تفریط است؛ زیرا مطابق اندیشه اسلامی بهترین امور حد وسط است. منظور از قصد در راه رفتن، راه رفتنی است که در جهت اهداف صالح به‌سادگی و بدون تزلزل و انحراف به اهداف خویش دست باید. یکی از مقاصد مشی اعتدالی این است که صدا را بدون بلند کردن فریاد یا زمزمه پایین بیاورند و بد در بین آن‌ها کسی است که حاجتی را فریاد بزند مگر آن‌که لازم باشد یا فصاحت داشته باشد. مثل اینکه منادی باشد یا تلاوت قرآن می‌کند، پس نیت صدا در گفتار و غیر آن این است که مخاطب بفهمد. پس به اندازه نیاز که گوش می‌شنود گفتار لازم است نه بیشتر و نه کمتر؛ یعنی اگر اندازه صدا بلند رفت نوعی حماقت



را نشان می‌دهد و اگر پایین باشد که هیچ‌کسی آن را نشوند حماقت دیگر است.
(صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ۲۳: ۲۳۳)

قرآن در آیه فوق میانه‌روی در رفتار، گفتار و برخورد اجتماعی را طوری طرح کرده است که اگر این‌گونه مسائل رعایت نگردد، باعث برخورد اجتماعی و ایجاد تنش و منازعات بین افراد مختلف اجتماع شده و منازعات اجتماعی را گسترش می‌دهد. در آیه هجدهم سوره لقمان آمده است: «و روی از آدمیان برمتاب و در زمین خودپسندانه راه مرو؛ زیرا خدا هیچ متکبر لاف‌زنی را دوست نمی‌دارد». (لقمان: ۱۸) در سوره اسراء آمده است: «و در زمین بسیار شادمانه گام زن؛ زیرا که تو زمین را هرگز نتوانی شکافت و در درازی هرگز به کوهسار نتوانی رسید». (اسراء: ۳۷) نیز مطلب مشابه را بیان کرده و میانه‌روی در اجتماع را برای افراد مسلمان توصیه می‌نماید (جوزی، ۱۴۲۲: ۳: ۴۳۲)

در سوره فرقان می‌فرماید: «و پرستندگان خدای رحمان همان کسانی هستند که بر روی زمین آهسته و بی‌آزار راه می‌روند و چون نادانان در روی ایشان سخنی گویند؛ آشتی جویانه سلام گویند». (فرقان: ۶۳) به‌علاوه مشی معتدلانه و نحوه برخورد انسان‌های نیک‌اندیش با جهال و افراد لا و بالی نیز مطرح است. زمانی که افراد نیک‌اندیش با جهال مواجه می‌شوند، از در مسالمت آمده می‌آیند؛ زیرا تنش اجتماعی به‌علاوه اینکه به سود هیچ‌کس نیست، قدر و ارزش انسانی که با جاهل درمی‌افتد را نیز به‌اندازه جاهل در اجتماع پایین می‌آورد. به همین علت نه‌تنها اختلاف اجتماعی مذموم است، بلکه ستیزه با افراد جاهل مذموم‌تر و ناپسندتر از آن است. (قرطبی، ۱۳۸۴، ۱۳: ۶۸)

۳-۷-۱. وجوهات مالی، انفاق و قرض الحسنه

یکی از مهم‌ترین راهکار قرآن برای پیشگیری از اختلافات اجتماعی، نزدیک ساختن طبقات اجتماعی به همدیگر و درمان فقر و نداری اجتماعی با لزوم وجوهات مالی مانند زکات، خمس، صدقه و امر به نفاق است. فقر به‌عنوان یکی از مسائل اجتماعی، در وقوع انحرافات و افزایش میزان آن به‌ویژه در زمینه جرائم زنان، اعتیاد

و سرقت تأثیرگذار است. فقرا اگر راهی آبرومندانان برای تهیه مایحتاج زندگی نیابند، ممکن است دست به هر کاری بزنند. قرآن برای مهار تخلفات اجتماعی ناشی از فقر به علاوه اینکه وجوهاتی همانند زکات (بقره: ۴۳) خمس (انفال: ۴۱) و صدقات به شمول زکات فطره را که باعث نزدیک کردن طبقات مختلف اجتماعی و ایجاد درآمد برای افراد ضعیف و فقیر اجتماعی می‌شود تا مایحتاج زندگی خویش را تأمین نمایند، واجب کرده است، مسلمانان را نیز به انفاق برای مردم فقیر و صله رحم با خویشاوندان مأمور کرده است. (نسفی، ۱۴۱۹، ۲: ۱۵۲)

انفاق در قرآن از درجه‌الای برخوردار است تا جای که می‌فرماید: «کسانی که اموالشان را در شب و روز و در نهان و آشکار انفاق می‌کنند، پاداششان را نزد پروردگارشان دارند. نه بیمی برایشان است و نه آنان اندوه می‌خورند». (بقره: ۲۴۷) در آیه دیگری راه رسیدن به نیکوکاری را فقط انفاق در راه خدا می‌داند که به جز این راه، راهی دیگری در دست رس نیست: «هرگز به نیکوکاری نرسید مگر آنگاه که از آنچه دوست می‌دارید، انفاق کنید و هر چیز که انفاق کنید بی‌گمان خدا به آن دانا است». (آل عمران: ۹۲)

یکی دیگری از نکات مثبت فقرزدایی و راه پیشگیری از تعارضات، توصیه قرآن به قرض الحسنه؛ یعنی قرض بدون سود است که اجر و پاداش زیادی نیز برای آن ذکر شده تا جای که قرض الحسنه چندین برابر پاداش در نظر گرفته شده و حتی آن را قرض بر خداوند خوانده است. (ابن کثیر، ۱۴۲۰، ۸: ۲۲) قرآن کریم می‌فرماید: «کیست که خدا را وامی نیکو دهد و خدا وام او را به برابری بسیار، افزون کند». (بقره: ۲۴۵)

با توجه به تأکیدات اسلام به حل معضلات اقتصادی در اجتماع و لزوم پرداخت وجوهات مختلف مالی و تأکید پیرامون انفاق در راه خدا و پرداخت قرض الحسنه، توصیه شده به ثروتمندان و طبقه مرفه اجتماعی، زمینه بسیاری از اختلافات اجتماعی که ناشی از فقر اقتصادی و ایجابات مایحتاج زندگی است را بسته است.



۳-۸-۱. حذف معیارهای برتری واهی و نهادینه کردن تقوی، ایمان و علم

قرآن افتخارات عرب جاهلی را که عبارت از انتساب به خون، خانواده، مکان، نژاد و قبیله بود با معیارهای دیگری همانند تقوی، ایمان و علم عوض و این سه اصل اساسی را به حیث معیار برتری فردی بر افراد دیگر برگزیده است. تغییر معیارهای واهی که راه رسیدن به آن از خشونت و نزاع می‌گذشت به معیارهای ارزشی که راهی به طرف سعادت و زندگی مسالمت‌آمیز است، باعث کاهش اختلافات اجتماعی شده و زمینه را برای رسیدن بشر به سعادت ابدی و دوری از تفرقه و اختلاف فراهم ساخته است. تقوی تسلط بر نفس و مهار آن در انگیزه نفسانی حرص، حسد، بخل و آز است. ایمان نیز یک معیار کاملاً ارزشی و انسانی است. در قرآن اکثر موارد کلمه ایمان در کنار عمل صالح به کار گرفته شده است؛ یعنی ایمان در کنار عمل صالح خوب و شایسته است. اگر ایمان را یک درخت بدانیم، عمل ثمره آن است. (کوهی، ۱۳۹۴: ۲۲)

۳-۹-۱. تشویق به انجام کارهای نیک

یکی از اهداف قرآن هدایت مردم به راه نیک و رستگاری اجتماعی است. این کتاب دستورات فراوانی دارد تا جامعه بشری را در زندگی اجتماعی راهنمایی نموده و جامعه‌ای عاری از مشکلات ببار آورد. یکی از این دستورات قرآنی تشویق مردم به انجام کارهای نیک است که در ذیل به بخش‌های از دستورات قرآن در رابطه با انجام عمل نیک اشاره می‌شود:

الف. اکرام پدر، مادر و ایتام: قرآن در آیات فراوانی به انسان‌ها امر کرده است که به پدر و مادرشان احترام نهاده و ایتام را اکرام کنند. آیات ۸۰ سوره بقره، ۱۵۱ انعام، ۲۳ اسراء و ۱۵ سوره احقاف درباره نیکی به پدر و مادر، مطالبی را بیان کرده و آیاتی از جمله ۱۵ سوره بلد، نیکی و اطعام یتیم را به مسلمانان گوشزد کرده است.

ب. مشورت کردن در کارها: مسلمانان به انجام مشورت در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مأمور شده‌اند. آیاتی از قرآن درباره مشورت مطالبی را به انسان‌ها گوشزد کرده است. از جمله آیات ۱۵۹ آل عمران و ۲۳ سوره شورا، مستقیماً پیامبر را



به مشورت کردن با مسلمانان دستور داده است. طرف مشورت نیز باید عامه جوامع اسلامی باشد، حتی کسانی که در جنگ احد دستورات پیامبر را نپذیرفتند و از رفتن به جنگ به سرکردگی عبدالله بن ابی مخالفت کردند - که در نتیجه به تعداد هفتاد نفر به شمول حمزه عموی پیامبر اسلام شهید شد - نیز باید در مشاوره مسلمانان سهیم بوده و حرفشان در امور اجتماعی، شنیده شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴: ۸۶)

ج. رعایت ادب در سخن: قرآن مسلمانان را ملزم کرده است که سخنان نیک گفته و با سخنان خود باعث نشوند که اختلافاتی در جامعه پدید آید. در آیه ۵۳ سوره اسراء می‌فرماید: «و بندگانم را بگو که همیشه سخن بهتر را بر زبان آرند که شیطان بسیار شود به یک کلمه زشت میان آنان دشمنی و فساد برانگیزد؛ زیرا دشمنی شیطان با آدمیان واضح و آشکار است». در آیه دیگری نیز مطلب مشابه را مطرح نموده می‌فرماید: «هرگاه شما را تحیت و سلامی گفتند شما نیز باید به تحیت و سلامی بهتر از آن یا مانند آن پاسخ دهید که خدا به حساب هر چیزی کاملاً خواهد رسید». (نساء: ۸۶)

قرآن مسلمانان را ملزم کرده که در اجتماع از سخنان نیک کار گرفته و زمینه را برای دخالت شیطان و نزاع اجتماعی مهیا نسازد، در بسا موارد دیده شده است که سخن ناسنجیده باعث نزاع شده و سرانجام فتنه و آشوبی از آن درگرفته است که جمعی از انسان‌ها متأثر شده‌اند. سلام که به معنای صلح، امنیت و سلامت است، در آیاتی تأکید شده است که در برخورد با افراد از آن استفاده شود. (کوهی، ۱۳۹۵: ۵۳)

د. ایستادگی در برابر ظالم: یکی دیگر از دستورات سرنوشت‌ساز اسلام که در قرآن مطرح شده است، تشویق مسلمانان به ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم ظالم است. از آنجاکه از دیدگاه اسلام مسلمانان باهم برادر و برابر هستند، اگر به یکی ظلم شود در حقیقت به همه ظلم شده و ظلم در جامعه نهادینه خواهد شد. (ثعالبی، ۱۴۱۸، ۵: ۱۶۵) به این لحاظ دستور داده است که مظلوم را در برابر ظالم یاری رسانده و حق مظلوم را از ظالم بگیرند. «و کسانی که هرگاه ستمی به آن‌ها رسد، تسلیم ظلم نمی‌شوند و یاری می‌طلبند». (شوری: ۳۹) جلوگیری از ظلم مطابق فرمایش قرآن بر



اجتماع اسلامی واجب است. چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «اگر کسی در راه دین از شما کمک خواست، بر شما واجب است که به وی کمک کنید». (انفال: ۷۲)

۱-۱۰-۳. عفو و بخشش، ذکر و استغفار

عفو و درگذشتن از خطاهای افراد، راه‌حلی برای پیشگیری از منازعات و زمینه‌ای برای زیستن مسالمت‌آمیز اجتماعی است. قرآن در آیات متعددی مردم را به عفو و بخشش دعوت و ثمره این اصل مهم اجتماعی را مطرح کرده است. در آیه‌ای عفو‌کنندگان را محسن خطاب کرده و پاداش نیک الهی را برای آنان پیش‌بینی کرده است. معنای اصلی عفو، گذشت و صرف‌نظر کردن است که چشم‌پوشی از گناه تلقی می‌شود، ولی در مواردی معنای گذشت بزرگوارانه از حقوق مادی را هم افاده می‌کند مانند گذشت از مهریه که در آیه ۲۳۷ سوره بقره مطرح شده آمد است. (ابوعبیده، ۱۳۸۱، ۱: ۸۶)

مصدق نادیده گرفتن و به فراموشی سپردن اموری که باید از آن‌ها عبرت گرفته شود را در آیه ۹۶ سوره اعراف بیان کرده است. عفو که قرآن مطرح می‌کند از کسی سر می‌زند که وابستگی تام به نیروی تقوی داشته باشد؛ زیرا باوجود که راه‌حل اساسی برای پیشگیری از منازعات اجتماعی است، ولی صرف‌نظر کردن از لغزش‌های دیگران، گذشتن از قصاص و... بدون داشتن نیروی تقوی امکان‌پذیر نخواهد بود. قرآن برای کسانی که اشتباهی را مرتکب شده و اکنون در پی جبران آن هستند، توبه و استغفار را توصیه می‌کند. توبه می‌تواند زمینه را برای برگشت به دامن اجتماع مهیا ساخته و استغفار زمینه‌ساز بازگشت فرد به اجر و پاداش اخروی و دنیوی است. این دو گزینه می‌تواند فردی که مدتی به واسطه انجام کارهای ناروا، از اجتماع رانده شده را برگردانده و در کنار سایر مسلمانان زمینه برخورداری از زیست سالم در اجتماع انسانی را مساعد سازد. چنانکه در آیه ۱۳۵ سوره آل عمران به این مهم اشاره شده است. (بقاعی، بی‌تا، ۵: ۷۲)

۳-۱۱-۱. صله رحم و اجازه خواستن هنگام ورود به خانه دیگران

یکی از مواردی که وسیله جلب دوستی و محبت می‌شود، صله رحم و دید و



بازدیدهای فAMILI است که به نحوی لازمه اجتماع است. صله رحم در آیاتی چون ۲۷ بقره، ۲۲ محمد و ۲۵ سوره رعد به کار رفته و مسلمانان را به رعایت آن دستور و از قطع آن هشدار داده است. (سیوطی، بی تا، ۱: ۱۰۵)

قرآن برای بشریت توصیه می کند که در هنگام ورود به خانه دیگران اجازه بگیری. تجربه ثابت کرده است که ورود بدون اجازه به خانه دیگران در بسا موارد اختلافات اجتماعی را گسترش داده و زمینه را برای گسست های اجتماعی و فروپاشی آن مساعد کرده است. قرآن می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیری و بر اهل آن خانه سلام کنید. این برای شما بهتر است» (نور: ۲۷) ورود بدون اجازه به خانه دیگران در بسا موارد منازعات اجتماعی را سبب شده و باعث ایجاد تنش و اختلاف در بین جامعه می گردد که قرآن در آیه فوق به این مهم اشاره کرده و مردم را از گرفتار شدن به اختلافات اجتماعی بازداشته است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ۱۱: ۶۷)

۳-۱۲-۱. آموختن علم و دانش

قرآن در آیات متعددی مسلمانان را به آموختن دانش تشویق کرده و علم را یکی از معیارهای برتری و ارزش در جامعه بشری به حساب آورده است. در آیه ای به صورت استفهامی اهمیت علم و دانش را پرسیده و سرانجام خود نتیجه گرفته و تفاوت این دو صفت را بیان می نماید: «بگو آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟ تنها خردمندان پند می پذیرند». (زمر: ۹) در آیه دیگری می فرماید: «خدا کسانی از شما را که ایمان آوردند و کسانی را که دانش داده شدند، به مرتبه های بالا می برد و خدا از آنچه می کنید آگاه است». (مجادله: ۱۱) ناگفته پیداست که نقش دانش در پیشرفت جامعه بشری و زدودن اختلافات بسا مفید و سودمند است. ملتی که افراد باسواد داشته باشد، از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نظر به اجتماعی که از سواد کمتری برخوردار است، پیشرفته تر و خوشونت در آن نیز اندک تر است.

۳-۱۳-۱. نظارت اجتماعی

در اسلام تعدادی مکلف به نظارت از اجتماع هستند. نظارت اجتماعی با انجام



اموری چون امر به معروف و نهی از منکر شکل می‌گیرد. افرادی که از نظر علمی و آگاهی در جایگاه بلندی قرار دارند، مکلفند کسانی که نمی‌دانند را به معروف امر کنند و از انجام منکرات بازدارند. (قرشی، ۱۳۷۷: ۴؛ ۲۶۹) مراعات این اصل در اسلام می‌تواند از بسیاری اختلافات و منازعات اجتماعی جلوگیری نموده و زمینه را برای همدیگر پذیری و زندگی اجتماعی مسالمت‌آمیز در پرتو رعایت اصول راستین اسلام مهیا سازد. «و مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند و نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و حکم خدا و رسول او را اطاعت می‌کنند، آنان را البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید». (توبه: ۷۱)

۲-۳. دستورات سلبی قرآن

به این علت قرآن این موارد را نهی کرده است که انجام چنین کاری‌های به همزیستی مسالمت‌آمیز در اجتماع ضربه زده و زمینه را برای اختلافات اجتماعی مساعد و از اتحاد دور می‌سازد.

۱-۲-۳. دوری از گمان بد

بدگمانی در بسا موارد باعث اختلاف و اغتشاش شده و زمینه را برای منازعات اجتماعی فراهم می‌سازد. به این علت قرآن در آیاتی مسلمانان را از گمان بد بر حذر داشته و آن را معادل گناه و جرم به حساب آورده است. «هان ای کسانی که ایمان آوردند، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید زیرا بعضی از گمان بردن‌ها گناه است». (حجرات: ۱۲) در آیات دیگری نیز گمان بد را نکوهش کرده و بیان داشته است که گمان راهگشای به‌سوی حقیقت نیست: «و حال آنکه هیچ علم به آن ندارند و جز در پی گمان و پندار نمی‌روند و ظن و گمان هم در فهم حق و حقیقت هیچ سودی ندارد». (نجم: ۲۸) اگر آیاتی از قرآن گمان بد را نهی نمی‌کرد، چه بسا اختلافات متعدد اجتماعی از این ناحیه دامن‌گیر اجتماع انسانی می‌شد و زیان‌های قابل جبرانی به جامعه وارد می‌کرد. (نخجوانی، ۱۴۱۹، ۲: ۳۶۴)



۳-۲-۲. منع از غیبت، تهمت، تجسس و نسبت ناروا

قرآن از اعمال زشت چهارگانه غیبت، تهمت، تجسس و نسبت ناروا به همدیگر را منع کرده است. چه بسا اعمال چهارگانه فوق باعث بروز اختلافات و نزاع‌های دامنه‌دار اجتماعی شده و بی‌گناهای را مقصر جلوه داده و زمینه را برای گسست‌های اجتماعی فراهم می‌کند. آیات فراوانی از قرآن مردم را از انجام کارهای ناشایست و ناروای که اجتماع را آسیب می‌رساند نهی کرده است. (کوهی، ۱۳۹۵: ۴۲) خصوصاً چهار گزینه فوق‌الذکر را منع قرار داده و در آیه‌ای از قرآن می‌فرماید: «خبرجویی نکنید و یکدیگر را غیبت نکنید، آیا یکی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ پس از آن نفرت کردید و از خدا پروا گیرید؛ زیرا خدا توبه‌پذیری مهربان است». (حجرات: ۱۲) در آیه دیگری موضوع تهمت را مطرح نموده، اخصا اتهام به زنان پاک‌دامن را معادل دور شدن از رحمت خدا و افتادن در چنگ عذاب بزرگ می‌داند «کسانی که زنان پاک‌دامن و بی‌خبر و باایمان را متهم می‌کنند، در دنیا و آخرت مورد نفرین قرار گرفته‌اند و عذابی بزرگ در انتظار دارند». (نور: ۲۳)

به‌علاوه نسبت دادن سخن، کردار یا رفتار نادرست به دیگری باعث نزاع و اختلاف اجتماعی شده گناه بزرگی محسوب می‌شود که قرآن از این امر، مردم را بر حذر داشته و از انجام چنین کار ناشایستی منع نموده است. چنانکه در آیه‌ای می‌فرماید: «چرا به محض شنیدن این سخن نگفتید که هرگز ما را تکلم به این روا نیست. پاک خدایا، این بهتانی بزرگ است». (نور: ۱۶)

۳-۲-۳. نهی از شراب، قمار، اسراف در اموال و منع از ظلم و بی‌عدالتی

شراب و سیله‌ای برای ایجاد فساد در جامعه و قمار نیز وسیله‌ای برای فریب و نیرنگ مالی و گذراندن زمان به بطالت و بی‌برنامگی است. ظلم و بی‌عدالتی نیز پیامدهای مخرب اجتماعی را در برداشته روی این لحاظ موارد یادشده در فوق از دیدگاه قرآن تحریم شده است. قرآن با تحریم این موارد اجتماع انسانی را از آلوده شدن در فساد و منازعات اجتماعی بازداشته و زمینه هر نوع اختلافات اجتماعی را قبل از وقوع آن برچیده است. (حسینی، ۱۳۶۳، ۳: ۱۷۰) قرآن در آیه در این رابطه اشاره کرده



می‌فرماید: «شیطان قصد آن دارد که به وسیله شراب و قمار، میان شما عداوت و کینه برانگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز بازدارد، پس شما آیا از آن دست برمی‌دارید؟». (مائده: ۹۱)

حرمت شراب و قمار در آیاتی زیادی از قرآن مطرح شده است، از جمله ۶۷ نحل، ۴۳ نساء، ۲۱۹ بقره و ۹۰ سوره مائده حکم تحریم آن‌ها آمده است. درباره منع از انجام ظلم و بی‌عدالتی دستوراتی از قرآن آمده است؛ زیرا تبعیض به خاطر منافع شخصی یا خویشاوندی یا منافع طبقاتی و ملاحظه فقر و غنا، باعث شکاف بین اعضای جامعه می‌شود به همین جهت خداوند از انجام این اعمال نهی کرده است. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هر چند به زیان خودتان یا به زیان پدر و مادر و خویشاوندان شما باشد اگر یکی از دو طرف دعوا توانگر یا نیازمند باشد باز خدا به آن دو از شما سزاوارتر است پس از پی هوس نروید که در نتیجه از حق عدول کنید و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نماید قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است». (نسا: ۱۳۵)

۳-۲-۴. نهی از تمسخر، عیب‌جویی و اسم بد گذاشتن

قرآن این سه معضل بزرگ اجتماعی را که دامن‌گیر اکثریت مردم اجتماع است و در نتیجه آن پیامدهای ناگوار اجتماعی به وجود می‌آید را منع کرده و در یک بیان رسا مردم را از غوطه‌ور شدن در چنین گرداب ناسنجیده نزاع اجتماعی بر حذر داشته است. (کوهی، ۱۳۹۵: ۴۱) قرآن می‌فرماید «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید». (حجرات: ۱۱) تمسخر، عیب‌جویی و اسم بد گذاشتن از صفات ناپسند اجتماعی است که حتی عقل سلیم نیز از چنین صفات ناپسند بر حذر داشته و انسان‌ها را از نسبت دادن این خصوصیات به دیگران نهی می‌کند.



۳-۲-۵. نهی از بخل و حسد، عمل نکردن به گفته‌ها و ندانسته حرف زدن

قرآن مردم را از بخل بر حذر داشته و حسد را نیز صفت زشت و ناپسند می‌داند که برخی افراد نادان به آن مبتلا خواهند شد. به علاوه این دو خصیصه زشت بشری، افراد حراف و صاحبان سخنی که به گفته‌ای خویش جامعه عمل نمی‌پوشانند و در حقیقت دروغ می‌گویند و گفته‌هایشان را با عمل توأم نمی‌سازند را نیز مذمت کرده و افرادی بدون دانش و علم، سخنانی را که هیچ اطلاعی درباره آن ندارند را به زبان می‌رانند نیز مذموم پنداشته است. خصوصیات چهارگانه فوق هر کدام می‌تواند زمینه را برای بروز اختلافات و منازعات اجتماعی مساعد سازد؛ زیرا بخیل مالش را از مصرف شدن برای محتاجان بازداشته و حاسد زمینه سلب آسایش از خود و دیگران را فراهم می‌سازد. صاحبان سخن بدون عمل عده‌ای را فریب داده و منتظر می‌گذارد بدون اینکه عملی در کار باشد. افرادی که بدون علم درباره چیزی اظهار نظر می‌نمایند، زمینه را برای باورهای مغایر با حقیقت نیز مساعد می‌سازند. (کوهی، ۱۳۹۵: ۴۴-۴۸) بنابراین قرآن در آیاتی چون ۱۸۰ آل عمران، ۳۸ محمد و ۳۷ سوره نساء مردم را از بخل ورزیدن منع کرده و در آیاتی چون ۱۳۱ طه، ۸۸ حجر و ۹۷ آل عمران آن‌ها را از حسد به اموال دیگران بازداشته است. آیاتی همچون ۲ و ۳ صف و ۶۶ آل عمران مردم را از عمل نکردن به گفته‌ها منع نموده و از ندانسته و بدون علم و دانش سخن گفتن بازداشته است.

۶-۲-۳. منع از بی‌توجهی نسبت به آسیب دیدگان

در یک جامعه اقشار آسیب‌پذیری وجود دارد که باید مورد حمایت و دلجویی قرار گیرد. افراد باید به دنبال آن باشند تا این قشر محروم به جایگاه واقعی برای زندگی مطلوب دست پیدا کنند و از عدالت اجتماعی برخوردار باشند، اگر به آن‌ها توجه نشود صدمات جبران‌ناپذیری پدید خواهد آمد. قرآن در رابطه با افراد آسیب‌پذیر اجتماعی به ما سفارش و توصیه کرده می‌فرماید:

سوگند به این شهر و حال آنکه تو در این شهر جای داری، سوگند به پدری چنان و آن کسی را که به وجود آورد، به راستی که انسان را در رنج آفریده‌ایم، آیا پندارد که



هیچ کس هرگز بر او دست نتواند یافت، گوید مال فراوانی تباه کردم، آیا پندارد که هیچ کس او را ندیده است، آیا دو چشمش نداده‌ایم و زبانی و دلب و هر دوراه خیر و شر را بدو نمودیم، ولی نخواست از گردنه عاقبت نگری بالا رود و تو چه دانی که آن گردنه سخت چیست، بنده‌ای را آزاد کردن، یا در روز گرسنگی طعام دادن، به یتیمی خویشاوند، یا بینوایی خاک‌نشین، علاوه بر این از زمره کسانی باشد که گرویده و یکدیگر را به شکیبای و مهربانی سفارش کرده‌اند و اینان خجستگان. (سوره بلد، ۱۸-۱)

نتیجه‌گیری

قرآن کریم کتاب راهنمای جوامع انسانی است. این کتاب آسمانی در موارد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اشاره‌های برای راهنمایی بشر دارد که از جمله این اشاره‌ها راهکارهای برای پیشگیری از اختلافات اجتماعی است. هرچند هدایت قرآن در رابطه با پیشگیری از اختلافات اجتماعی و وقایع از گرفتار شدن مسلمانان در چنگ منازعات و اختلافات بنیان بر افکن در آیاتی فراوانی از قرآن به کار رفته است، ولی این تحقیق به اندازه وسع و توان به برخی از گزینه‌ها و آیاتی از قرآن اشاره کرده و همه آن‌ها را در دو بخش ایجابی و سلبی، دسته‌بندی کرده است:

۱. قرآن برای پیشگیری از اختلافات بشر که در قید و بند نژاد، خون و عصبیت‌های قبیله غرق بودند جد مشترک را یادآوری کرده است. از منظر قرآن همه انسان‌ها از یک پدر مادر آفریده شده‌اند. بنابراین معیارهای واهی نژادی، خونی و قومی که باعث شکاف طبقاتی و اجتماعی بین آنان شده است، اعتباری ندارد.
۲. قرآن برادری دینی را برای پیروان اسلام، برای جلوگیری از فخر فروشی‌ها، گرفتار شدن در چنگال عصبیت و سایر افتخارات موهومی مطرح کرده است. طبق این اصل همه باهم برادر و یکسان هستند. تنها ارزش انسانیت از نظر اسلام به تقوی، ایمان و علم است.
۳. اسلام موضوعاتی چون شکاف طبقاتی را با وجوب فرایضی چون زکات، انفاق،



- صدقه و خمس محو کرده و قرض الحسنه را برای رأفت و رحمت در نظر گرفته، مشی اعتدالی را مروج و دعوت به تفاهم در چارچوب اشتراکات اعتقادی را مطرح نموده و به انجام کارهای نیک، گفتار نیک و اعمال نیک دعوت کرده است.
۴. اسلام مردم را به تعاون در کارهای نیک دستور داده و از عفو بخشش، اکرام به پدر، مادر و ایتم سخن رانده و ایستادگی در برابر ظلم را تجویز و صله رحم، آموختن دانش و نظارت اجتماعی را برای پیشگیری از افتادن در منجلاب نزاع و اختلافات در نظر گرفته است.
۵. مواردی همچون ظلم، شراب، قمار، تجسس، غیبت، تهمت، منازعه، اسم بد گذاشتن، حسد، ندانسته حرف زدن و گمان بد که اختلافات اجتماعی را دامن می‌زنند را نهی کرده است.
۶. موارد فوق اگر توسط مسلمانان رعایت شود، اختلافات جوامع اسلامی حل خواهد شد؛ زیرا بسیاری از منازعات اجتماعی به علت رعایت نکردن موارد فوق رخ می‌دهد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۲۰)، *تفسیر القرآن العظیم*، (محقق: سامی بن محمد سلامه)، بی‌جا: دارالطیبه للنشر والتوزیع.
۲. ابو عبیده، معمر بن مثنی، (۱۳۸۱ق)، *مجاز القرآن*، (تحقیق: محمد فؤاد سزکین)، قاهره: مکتبه الخانجی.
۳. اکبری، وحید، احمدی، رحمانی و منوچهری مصیب، (۱۳۹۹) *بررسی آسیب‌های اجتماعی و راهکارهای مواجهه با آن از منظر قرآن کریم*، سومین همایش ملی روانشناسی و تعلیم و تربیه و سبک زندگی، قزوین: دانشگاه پیام نور.
۴. بقاعی، ابراهیم بن عمر بن حسن (بی‌تا)، *نظم الدرر فی تناسب الایات و السور*، قاهره: دار الکتب الاسلامی.
۵. ثعالبی، ابوزید عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۸)، *الجواهر الاحسان فی تفسیر القرآن*، (محقق: محمد علی معوض و عادل احمد عبدالموجود)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. جعفری، یعقوب، (بی‌تا)، *تفسیر کوثر*، قم: هجرت.
۷. جوزی، جمال‌الدین، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۲۲)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، (محقق: عبدالرزاق المهدی)، بیروت: دار الکتب العربی.
۸. حسینی، شاه‌عبدالعظیمی حسین بن احمد، (۱۳۶۳)، *تفسیر اثنا عشری*، تهران: میقات.
۹. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، (بی‌تا)، *بحر العلوم*، بی‌جا، بی‌نا.
۱۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر، (بی‌تا)، *الدر المنثور*، بیروت: دار الفکر





۱۲. شوکانی، محمدعلی، (۱۴۱۴)، *فتح القدیر*، بیروت: دمشق، دار ابن کثیر: دارکلم الطیب.
۱۳. صابونی، محمدعلی، (۱۴۲۱)، *صفوه التفاسیر تفسیر للقرآن الکریم*، بیروت: دار الفکر.
۱۴. صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: پژوهشگاه فرهنگ اسلامی.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، (ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی)، قم: جامعه مدرسین، چ ۵.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰)، *ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، (ترجمه: جمعی از مترجمان)، تهران: نشر فراهانی.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۲۰)، *جامع البیان فی تأویل القرآن*، تحقیق احمد محمد شاکر، بی‌جا، موسسه الرساله.
۱۸. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت.
۱۹. قرطبی، ابوعبدالله محمد بن احمد، (۱۳۸۴ق)، *الجامع لاحکام القرآن*، (تحقیق: احمد البردونی و ابراهیم اطفیش)، قاهره: دارالکتب المصریه.
۲۰. کوهی، سید خلیل، (۱۳۹۴)، *نظام اجتماعی اسلام*، کابل: انتشارات سعید.
۲۱. کوهی، سید خلیل، (۱۳۹۵)، *اخلاق از دیدگاه قرآن*، کابل: انتشارات سعید.
۲۲. کوهی، سید خلیل، (۱۳۹۷)، *اعجاز قرآن در روشنی دانش معاصر*، کابل: انتشارات سعید.
۲۳. گنابادی، سلطان محمد، (۱۴۰۸)، *تفسیر بیان السعاده فی مقامات العبادہ*، بیروت: موسسه اعلمی للمطبوعات.
۲۴. مراغی، احمد بن مصطفی، (بی‌تا)، *تفسیر مراغی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. معین، محمد، (۱۳۸۷)، *فرهنگ معین*، بی‌جا: نشر زرین.



۲۶. مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر کاشف، (ترجمه: موسی دانش)، قم: بوستان کتاب.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۱)، *الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، قم: مدرسه امام علی ابن ابیطالب.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. میبدی، احمد بن محمد، (۱۳۵۲)، *خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید*، تهران: نشر اقبال.
۳۰. نخجوانی، نعمت‌الله بن محمود، (۱۴۱۹)، *الفواتح الإلهية والمفاتيح الغيبية الموضحة للكلم القرآنية والحکم الفرقانية*، الغوريه مصر: دار رکابی للنشر.
۳۱. نسفی، ابوالبرکات عبدالله بن احمد، (۱۴۱۹)، *مدار التنزيل وحقایق التاویل*، (تحقیق: یوسف علی بدیوی)، بیروت: دار الکلم الطیب.